



۲۰۱۹/۰۹/۰۸



س.ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟  
گفتار سی و پنجم

## صیب چی گپ شد؟؟



پریزیدنت ترامپ در آخرین روز موعود با لغو نشست کمپ دیوید، و لغو مذاکرات با طالبان، خود را از مجموع جریان قریب یکساله ای جدا ساخت، که با مأموریت «دوحه» رویکار شد؛ ارض موعود، فرض ریخت که از قرض طالبان باید گریخت! پریزیدنت ترامپ چندین بار رضایت و خوشبینی خود را در رابطه با مأموریت دوحه ابراز کرده بود؛ و از این نظر این تصمیم جناب ترامپ یک ذره گک غیرمنتظره واری بود؛ چی گپ شد؟؟

مطبوعات توجه را معطوف ساختند به تذکر ترامپ در باره کشته شدن ۸ خارجی؛ و یک سرباز امریکایی؛ و یک سرباز ناتو در طی چند حمله اخیر طالبان در کابل؛ مطمئناً این حوادث اهمیت خود را داشتند؛ بدنبال این حوادث داکتر خلیزاد و جنرال میلر به ملاقات طالبان به دوحه رفتند؛ حضور جنرال میلر در این ملاقات، که به صراحت لهجه مشهور است، نشان داشت از این که یک ملاقات تند و خشن با طالبان دایر شده است؛ ملا مجاهد نوشت:

« با طلب بخشش باید یاد آوری کنم که در حمله اخیر، سرباز امریکایی هدف استشهادی ما نبود؛ هدف ما کمر بند اداره کابل بود؛ ملا مجاهد که از کرامات استشهادی متحسب است، هوشش نه شده که قتل یک عسکر امریکایی را به کمر، بند کرده است!

اما اصل جریان بسیار پیچیده تر بود؛ تردید در باره مأموریت خلیزاد سابقه داشت؛ اظهارات داکتر محب در واشنگتن، توجه سیاستمداران امریکا را به جوانبی از این مأموریت برگردانید که ظاهراً از توجه دور مانده بودند؛ کانگرس امریکا چند مسافرت حقیقت یاب به کابل انجام داد و کوشیده شد به سخنان داکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان با دقت بیشتر گوش داده شود؛

در نتیجه کانگرس امریکا جناب خلیزاد را به استیضاح فراخواند؛ خود این حقیقت که آن استیضاح در پشت در های بسته دایر شد، نشان می داد که در دیگ پر القاب «صلح افغانستان» یک خورش بسیار غیر معمولی پخته می شود!

کانگرس ظاهراً منتظر شد که چه چیز بسیار خوشخور بر بشقاب می آید؛ اما تردید کانگرس نه تنها رفع نه شد، بل بسیار هم بیشتر شد؛ خاصتاً این گپ مرموز که دولت افغانستان از این پروسه پیوسته بیشتر کنار زده می شد، بر سوالات افزود؛

بتدریج اعضای کانگرس و سناتوران امریکا، بشمول سناتوران بسیار نزدیک به ترامپ شروع کردند که هشدار بدهند؛

پس از رؤیت پیشنویس، دیپلماتان سابقه دار امریکا با نشر اعلامیه ها «توافق» را برای امریکا «خطرناک» خواندند؛ کانگرس حکم کرد تا داکتر خلیلزاد برای یک استیضاح علنی در برابر کانگرس حاضر شود؛ افکار عامه امریکا متوجه ساخته شد که یک چیز بسیار غیرعادی در حال اتفاق افتادن است؛

جناب داکتر زلمی خلیلزاد پس از ختم هر دور مذاکرات دوحه به واشنگتن میرفت و دور بعدی مذاکرات را در وزارت خارجه امریکا آماده می ساخت؛ زمانی که داکتر محب اعتراض کرد، جناب پامپیو در جواب گفت که خلیلزاد خطوط داده شده از وزارت خارجه امریکا را دنبال می کند؛ اما اینک خود همین جناب پامپیو اعلام کرد که در پای «توافق» امضا نمی کند؛

نظامیان امریکا، و بطور مشخص جنرال دنفورد، با خروج عساکر امریکایی از افغانستان مخالفت کردند؛ و «توافق» را مسترد کردند؛ بالاخره جناب اسپر وزیر دفاع امریکا اظهار داشت که در پای این توافق امضا نمی کند؛ بدنبال این مواضع یک هیأت بلند رتبه ۱۷ نفری نظامی امریکا بریاست جنرال مکنزی لوی درستیز امریکا وارد پاکستان شدند؛ و بدنبال آن یک هیأت بلند رتبه نظامی پاکستان طی یک سفر غیر مترقبه وارد کابل شد؛ اسلام آباد با وارخطایی شروع به ترمیم و تعهد مجدد کرد؛ اما دیگر ممکن نشد که «توافق» نجات داده شود؛

از اظهارات داکتر خلیلزاد با تلویزیون ABC چنین فهمیده شد که بالاخره خود جناب ترامپ هم «توافق» را امضا نکرد؛ در نگاه اول، پرزیدنت ترامپ میخواست با بیرون کشیدن عساکر خود از افغانستان برای انتخابات آینده یک برگ برنده در دست داشته باشد؛ اما مقاومتی که در برابر «توافق» بوجود آمد، چنان بزرگ و گسترده بود که ترامپ حتی نزدیک ترین حامیان خود را هم از دست می داد؛

پرزیدنت ترامپ ترتیب را چنین داده بود که امروز، ۸ سپتامبر، یعنی یک روز پیش تر از ۹ سپتامبر، طی یک نشست سه جانبه در کمپ دیوید، ترامپ و غنی و کدام ملا از طالبان این توافق را به امضا برسانند؛ اکرام اندیشمند این ترتیبات پرزیدنت ترامپ را «شگفت انگیزتر و وحشت ناکتر» خواند؛ و نوشت که همه، حتی ماسکو، از چنین ترتیبات «بی خبر بودند»؛ بهر حال به همین منظور غنی به امریکا دعوت شد؛ ظاهر امر چنین عنوان شد که رئیس جمهور غنی باید توضیح بدهد با «توافق» چی مشکلی دارد؛ غنی در آغاز آمادگی نشان داد که به این سفر برود و گفت پیش هیچکس چشم ما خم نیست؛ ناظران در کابل گفتند این سفر «یک سفر حسنه نیست»؛ بعد غنی مطلع شده که برای یک چنین نشست در کمپ دیوید ترتیبات گرفته شده است؛ گفته شد که سفر غنی از جانب امریکا به تعویق انداخته شد؛ اما بالاخره مطبوعات امریکا ناگزیر افشا کردند که خود غنی این سفر به امریکا را مسترد کرده است؛ یعنی از نظر غنی این «توافق»، یک توافق میان امریکا و طالبان است، و دولت افغانستان نمی خواهد و نمی تواند که یک طرف این توافق باشد!

پس ترامپ در نشست‌ای که ترتیب داده بود، با چند تا طالب تنها می ماند؛ و چنین چیزی شایسته یک رئیس جمهور امریکا نبوده باشد!

جنگ افغانستان شاید یک «جنگ مضحک» بوده باشد؛ اما تاریخ به یاد ندارد که یک مضحکه به وسیله مضحکه بعدی از صحنه برون شده باشد!  
ترامپ نشست کمپ دیوید را لغو کرد!

•  
پریزیدنت ترامپ بدنبال این تصمیم دستور داد که ۵۰ طیاره جنگی امریکا در بگرام و شیندند مستقر ساخته شوند؛ این تعداد طیارات جنگی امریکا بسیار بیشتر از آن اندازه ای هستند که برای ضربه زدن به طالبان ضرورت باشند؛ ترامپ دستور داده است که اردوی امریکا برای هجوم بالای برخی مناطق پاکستان آمادگی بگیرد؛

و رود جنرال کنت مکنزی و هیأت وی به پاکستان، و بعد مسافرت بسیار شتابزده هیأت نظامی پاکستان به کابل، نشان می دهد که دوران «حسن تفاهم با پاکستان» که ترامپ چند بار مکرر کرد، اینک سپری شد؛ جنرال متیس در کتاب جدیدش بروشنی و بدون ابهام نوشته است: «پاکستان خطرناکترین کشور جهان است»!!

مطبوعات پاکستانی نوشتند: «جنگ افغانستان به پایان رسید! پاکستان این جنگ را بُرد!»؛ حمید گل گفته بود: «ما این جنگ را با پول امریکا، از امریکا می بریم!»؛ و مطبوعات پاکستانی نوشتند: «رئیس جمهور دست نشانده هند، اشرف غنی، مذبحخانه تلاش دارد مانع توافق صلح میان طالبان و امریکا شود!»

اما در حقیقت پاکستان به شدت منزوی می شود؛ اما هند وارد میدان های وسیع تر می شود؛ اخیراً هند معادل ۱۴ میلیارد دالر خریداری سلاح را با روسیه قرار داد کرد؛

مودی کوشیده بود پوتین را قناعت بدهد که از تدویر انتخابات در افغانستان حمایت کند؛ اما اعلامیه مشترک شان در این زمینه وضاحت نداشت؛ نماینده روسیه در ملل متحد با اصرار گفت که روسیه از «توافق» حمایت می کند؛ بنظر نمیرسد که مهم ترین کوشش های روسیه در انکشافات اخیر افغانستان، جستجو برای یافتن مواضع صحیح تر بوده باشد!

ترامپ همچنان دستور داده است که هیأت طالبان مقیم دوحه نظربند شوند؛ امیر قطر باری گفته بود که باید «رهبران» طالبان کشته شوند!

ملا شاهین عقاب پرواز و صدا پرداز ترسیده که در قطر دق نیارود؛ و در توییت نوشت:  
«برخورد کشور قطر در مقابل ما «بیلکل!» بدل شده است؛ امید که رفقای امارات بزودی دست به کار شوند!»  
و سیامک هروی نوشت: «چه سرفراز مجاهدی!!!»

بهرحال جناب پامپو امروز گفت که احتمال از سرگرفتن مذاکرات صلح منتهی نیست!

•  
یک سوال بی جواب مانده است؛ این که بالاخره این «توافق» چی بود؟  
دو گپ معلوم است:

یکی این که هیچ آدم عاقلی برای جمله بندی این ۱۱ بند که در «توافق» درج است، ۹ ماه پوره خانه بندنک نمی زند! حتی مرزا قلم پُچل پتنگ خود ما، که هیچوخت کارخانگی خوده نمی تانست، همی ۱۱ بند ره ده تی ثانیه نمشته می کد؛ و صد پوره! و یک بیوفرین هم می گرفت! هر قطره آن نیرو!!

دیگری این که قطعی است که در پشت این «توافق» چیزهایی چنان در چل قطی پیچانیده شده اند، که ما هیچگاه نمی توانستیم بدانیم؛ بهر حال چند نکته را می توانیم متمایز بسازیم:

اول این که جناب داکتر خلیل زاد چند وخت پیش گفت: افغانستان یک کشور مستقل است؛ هر کس این اصل را زیر سوال می برد، باید محاکمه شود! اما همین داکتر خلیل زاد در طی نه ماه اخیر پیوسته بیشتر کوشید نقش و مقام دولت افغانستان را تقلیل بدهد و تا صفر برساند! چرا خلیل زاد چنین می کرد؟

دوم این که پرزیدنت ترامپ گفت یک واحد پُرطاعت استخباراتی را در افغانستان نگه می دارد! اما نیویارک تایمز افشا کرد که امور افغانستان به عساکر خصوصی و اگدار میشود که در تحت نظر دستگاه استخباراتی امریکا فعالیت می کنند؛ از چند سال است که می خوانیم موسسه عسکر خصوصی «بلاک واتر» تلاش دارد جنگ افغانستان را از دولت امریکا «خریداری» کند؛ در مقابل دولت امریکا باید بپذیرد که معادن افغانستان در اختیار بلاک واتر باشد!

داری؟ نداری؟؟ خریداری!!!

سوم این که ترامپ گفت می خواهد داکتر خلیل زاد را بحیث فرستاده خاص امریکا به افغانستان بفرستد، تا تمام امور را نظارت کند، و به وی اطلاع بدهد!

اینک این سه نکته را با هم پیوند می دهیم و کوشش می کنیم یک سناریوی تخیلی را حدس بزنیم:

بنظر می رسد داکتر خلیل زاد در نقش، بگفته محب، «وایسرای» افغانستان بر می گشته است؛ و این وایسرا یک لشکر پر طاعت خصوصی را قومانده می کرده است؛ و طالبان و قالبان، و قلاتبان، و ازینگونه، بحیث یک بخش این لشکر خصوصی استخدام می شده اند؛

و «بهرشام» شان آنک آسیای میانه و چین و روسیه به پیشخوان حاضر می آمده است؛ و «صبح اینک» معادن قیمتی افغانستان برای شان ماکیان می شده است! والله خیرالرازقین!

مالومدار این تنها یک حدس و گمان است؛ یک دولت معظم بمانند امریکا چنین کار هایی نمی کند!

اما اگر چنین می بود؛ پس نه تنها برای آدم هایی بمانند غنی جایی نمی بود؛ بل «دولت»، حتی یک «دولت حداقل»، هم یک مزاحم بد آذان برای چنین پروژه شاننداری می بوده است؛ برای چنین حالتی یک «امارت سر پوشیده» بهترین مدل سیاسی می توانست بوده باشد! سپنتا بدرستی نوشت که حضور عساکر خصوصی در افغانستان، دولت، و حاکمیت دولتی، در افغانستان را نقض خواهد کرد و مضمحل خواهد ساخت!

• اعتراف می کنیم که در طی ۱۹ سال گذشته، هیچگاهی حوادث بمانند ۹ ماه گذشته متراکم و سهمگین نبوده اند! هیچگاهی خرد و وفاداری ما به وطن و هموطن این چنین به آزمون های دشوار کشیده شده نبود!

هیچگاهی هم مجال هایی این چنین داغ فراهم نیامده بودند که اشخاص و شخصیت ها محک بخورند و یگان یکی به چند قرن گذشته پرتاب شوند! چند تایی که برای جمال لنگوته زدند! اینک برای اسهال جمال گوته زدند! از پشت غباری این چنین فیرگون، بتدریج قامت خمیده یک پیر تسلیم ناپذیر در برابر ما قدا فراخت که علیرغم همه فشار ها قد راست کرد و شجاعانه ندا بر کشید: «تسلیم نمی شویم!!!»

گزارش شد که بار اخیر جناب داکتر خلیلزاد شش بار با غنی ملاقات کرد، و هر بار پاسخ ردّ غنی به وی تند تر شد! بلی پیش بینی های ما درست برآمدند: غنی همان یگانه شاخه ما است که بسوی نور فریاد می کشد!

غنی را پاس بداریم! غنی غنیمت بزرگی برای وطن و هموطن است!

با مسرت بزرگ در می یابیم که ندای تنهای جمهوری در مقابل امارت، اینک منهای چند نفر، به منتهای فکر و اقدام سیاسی ما مبدل گردیده است!

جامعه مدنی افغان بنام جمهوری اعلام نبرد کرده است!  
روشنفکران و زنان و جوانان افغان بنام جمهوری بپاخاسته اند!  
مرز ها می شکنند! جدایی ها فدایی می شوند! یک همبستگی نو افغان شکل می گیرد که در میدان نبرد برای جمهوری و برای صلح خود را باز می یابد و باز می شناسد!  
کوه به کوه نمی رسد! افغان به افغان می رسد!  
و چه پُرشکوه است به بام کوه بالا رفتن! و از چشم انداز دید نو و والا، شگفتن!

\*\*\*\* \*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتار ۳۵)  
Rogh\_h\_۴۱\_ba\_aozaaye\_watan\_tshiguna\_bengarem\_۳۵.pdf